

Research Article

Investigating the effect of company complexity on the relationship between management ability and lack of transparency of information

Mohammad Reza Nikbakht*

Associate Prof. of Accounting, University of Tehran, Tehran, Iran. Corresponding Author

Mehran Jahandoust Marghoub

Ph.D. Student of Accounting, University of Mazandaran, Babolsar, Iran.

Soraya Weysihsar

MSc. of Accounting, KAR Higher Education Institute, Qazvin, Iran.

Abstract

The main purpose of this study is to investigate the impact of company complexity on the relationship between management ability and lack of information transparency in listed companies in Tehran Stock Exchange. For this purpose, to measure information opacity, the ranking of three indicators of information uncertainty, information asymmetry and market metrics and availability of information are used. In order to measure management ability, model of Demerjian et al. (2012) is incorporated. The research hypotheses are tested based on a statistical sample consisting of 106 companies during a 9-year period from 2010 to 2018, using a panel data model regression model. The results show that there is a negative and significant relationship between management ability and lack of transparency of company information. Also, the complexity of the company negatively affects the relationship between management ability and lack of information transparency. In general, the results indicate that as management ability increases, information opacity decreases; so that this reduction shows the transparency of the company. However, complexity in the corporate environment affects the ability of managers to process information and reduces information transparency.

Keywords: Managers Ability, Information Transparency, Company Complexity.

*. mnikbakht@ut.ac.ir

پژوهش‌های حسابداری مالی

سال دوازدهم، شماره سوم، پیاپی (۴۵)، پاییز ۱۳۹۹

تاریخ وصول: ۱۳۹۹/۰۵/۲۰

تاریخ بازنگری: ۱۳۹۹/۱۰/۱۰

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۹/۱۰/۲۰

صص: ۸۳-۱۰۴

مقاله پژوهشی

بررسی تأثیر پیچیدگی شرکت بر ارتباط بین توانایی مدیریت و عدم شفافیت اطلاعات

محمد رضا نیکبخت^{۱*}، مهران جهان دوست مرغوب^{**}، ثریا ویسی حصار^{***}

* دانشیار حسابداری، دانشگاه تهران، تهران، ایران.

mnikbakht@ut.ac.ir

** دانشجوی دکتری حسابداری، دانشگاه مازندران، بابلسر، ایران.

mjahandostm@yahoo.com

*** کارشناسی ارشد حسابداری، مؤسسه آموزش عالی کار، قزوین، ایران.

soraiaweysihsar@yahoo.com

چکیده

هدف اصلی این پژوهش، بررسی تأثیر پیچیدگی شرکت بر ارتباط بین توانایی مدیریت و عدم شفافیت اطلاعات در شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران است. بدین منظور برای اندازه‌گیری عدم شفافیت اطلاعات از رتبه‌بندی سه شاخص عدم اطمینان اطلاعاتی، عدم تقارن اطلاعاتی و معیار رسیدگی بازار و در دسترس بودن اطلاعات و به منظور سنجش توانایی مدیریت از الگوی دمیرجان و همکاران (۲۰۱۲) بهره گرفته شده است. فرضیه‌های پژوهش بر مبنای نمونه آماری متشکل از ۱۰۶ شرکت طی دوره ۹ ساله از سال ۱۳۸۹ تا ۱۳۹۷ و با استفاده از الگوی داده‌های تابلویی آزمون شدند. نتایج پژوهش نشان می‌دهند بین توانایی مدیریت و عدم شفافیت اطلاعات شرکت رابطه منفی و معناداری وجود دارد. همچنین، پیچیدگی شرکت بر ارتباط بین توانایی مدیریت و عدم شفافیت اطلاعات تأثیر منفی می‌گذارد. به طور کلی، نتایج نشان دادند هرچه توانایی مدیریت افزایش یابد، عدم شفافیت اطلاعات کاهش می‌یابد؛ به طوری که این کاهش نشان از شفافیت شرکتی دارد. با وجود این، پیچیدگی در محیط شرکت بر توانایی مدیران در پردازش اطلاعات تأثیر می‌گذارد و شفافیت اطلاعات را کاهش می‌دهد.

واژه‌های کلیدی: توانایی مدیران، شفافیت اطلاعات، پیچیدگی شرکت

مقدمه

امروزه کمتر کسی اهمیت شفافیت اطلاعات مالی شرکت‌ها را نادیده می‌گیرد؛ زیرا تصمیم‌گیری درست برای سرمایه‌گذاری در بنگاه‌های اقتصادی و تخصیص بهینه منابع کمیاب در جامعه، مستلزم وجود اطلاعات مالی شفاف و مقایسه‌پذیر است [۱۰]. استفاده‌کنندگان از اطلاعات مالی، به‌خصوص سرمایه‌گذاران برای تصمیم‌گیری در زمینه خرید و فروش سهام، ارزیابی عملکرد مدیران و دیگر تصمیم‌های اقتصادی مهم به اطلاعات مالی نیاز دارند. وجود اطلاعات مالی شفاف و مقایسه‌پذیر رکن اصلی پاسخگویی و تصمیم‌گیری‌های اقتصادی آگاهانه و از ملزومات بی‌بدیل توسعه اقتصادی و دستیابی به یک بازار سرمایه کارا به‌شمار می‌رود. افزون بر این، افشای اطلاعات، پیامدهای اقتصادی متعددی از جمله بهبود نقدشوندگی سهام در بازار سرمایه، کاهش هزینه سرمایه شرکت‌ها و افزایش کاربران و افزایش توان پیش‌بینی استفاده‌کنندگان از اطلاعات را به دنبال دارد که این موارد در نهایت به افزایش ارزش شرکت منجر می‌شود. در طرف مقابل، نقصان اطلاعات شفاف در بازار موجب افزایش هزینه معاملات و شکست بازار خواهد شد؛ از این‌رو، در بسیاری از شکست‌های اخیر بازار سرمایه، نبود شفافیت، یکی از عوامل تأثیرگذار قلمداد شده است. به عقیده آروفرا و همکاران (۲۰۰۷) و چنگ و کورتنا (۲۰۰۶)، کیفیت پایین افشای اطلاعات علاوه بر اینکه موجب گمراهی سرمایه‌گذاران می‌شود، اثر نامطلوبی بر سرمایه و ثروت سرمایه‌گذاران دارد و باعث تخصیص ناکارآمد منابع و انتقال نامناسب ثروت و در نتیجه از دست دادن سرمایه‌گذاران می‌شود [۱۰].

کیفیت افشا میزان دقت گزارشگری مالی در انعکاس اطلاعات مربوط به عملیات و جریان‌های نقدی واحد انتفاعی تعریف می‌شود که متأثر از عوامل

مختلفی از جمله توانمندی مدیریت شرکت است [۴]. اعتقاد بر این است که مدیران توانا درک مناسب‌تری از فن‌آوری و روند صنعت دارند و با اتکای بیشتری می‌توانند تقاضای محصولات را پیش‌بینی کنند. همچنین، سرمایه‌گذاری مناسب‌تر در طرح‌های با ارزش‌تر و مدیریت کارای کارمندان نیز از ویژگی‌های مدیران توانمند است. انتظار می‌رود این مدیران در کوتاه‌مدت بتوانند درآمد بیشتری با استفاده از سطح معینی از منابع کسب کنند یا با استفاده از منابع کمتر بتوانند به سطح معینی از درآمد دست یابند [۳۲].

از نظر تئوری علامت‌دهی، شرکت‌های دارای عملکرد مطلوب، از سطح افشای بیشتری برخوردارند؛ زیرا این شرکت‌ها توانایی بازپرداخت بدهی‌های کوتاه مدت خود را دارند و می‌توانند سودآوری خود را تداوم بخشند [۴]؛ بنابراین، مدیران با توانایی بالا، انگیزه بیشتری برای افشای اطلاعات به بازار دارند تا بتوانند عملکرد خوب خود را به بازار سرمایه ارائه دهند و مزیت‌های رقابتی کسب کنند [۳۹]. چامر و پاکلیس (۲۰۰۵) و چامر و همکاران (۲۰۰۹) معتقدند در شرکت‌هایی که مدیران توانمند اداره می‌کنند، عدم تقارن اطلاعاتی کمتری وجود دارد و سرمایه‌گذاران ارزش‌گذاری بالاتری برای چنین شرکت‌هایی دارند. به عبارت دیگر، مدیران توانمند امکان دستکاری اعداد حسابداری را کاهش می‌دهند و از این‌رو، با کاهش عدم تقارن اطلاعاتی، ارزش شرکت را افزایش می‌دهند [۴].

افزون بر این، طبق شواهد و تجربیات موجود، مسائل درونی احتمالی وجود دارند که می‌توانند بر ارتباط بین توانایی مدیرعامل و عدم شفافیت اطلاعات مالی تأثیر بگذارند. این مسائل می‌تواند ناشی از پیچیدگی شرکت و عملکرد گذشته مدیرعامل باشد [۳۹]. ایگور [۳۹] در پژوهش خود

بیان کرد سطح پیچیدگی شرکت، یکی از مهم‌ترین عوامل در انتخاب مدیران شرکت است؛ بنابراین، یک احتمال بالقوه وجود دارد که تصمیم‌گیری درباره شفافیت شرکت نتیجه‌ای از پیچیدگی شرکت باشد تا توانایی مدیریت. پیچیدگی سازمانی ویژگی‌ای است که باعث می‌شود درک فعالیت‌ها دشوار شود و شفافیت عملیات شرکت برای استفاده‌کنندگان اطلاعات کاهش یابد. پیچیدگی سازمانی، گردآوری، جمع‌آوری، تلخیص و تحلیل اطلاعات مربوط و انتقال اطلاعات به بازار را دچار مشکل می‌کند [۷]. به عبارت دیگر، پیچیدگی شرکت می‌تواند بر هزینه‌ای که مدیریت برای به دست آوردن اطلاعات متحمل می‌شود، تأثیر بگذارد. تأثیر پیچیدگی بر شفافیت شرکت بدین شرح است که می‌تواند تقاضای سرمایه‌گذاران را برای اطلاعات بیشتر از مدیریت افزایش دهد. همچنین، در متون تئوری سازمانی، شرکت‌ها پیچیدگی را مانع مهمی در پردازش اطلاعات می‌دانند. عواملی که باعث ایجاد پیچیدگی در محیط شرکت می‌شوند، باعث افزایش نااطمینانی در ارزیابی آینده واحد تجاری می‌شوند [۱۹] و نااطمینانی ایجادشده در محیط تجاری می‌تواند بر توانایی مدیران در پردازش اطلاعات تأثیر بگذارد که به افزایش نااطمینانی اطلاعاتی، عدم تقارن اطلاعاتی و خطا در برآورد سود توسط مدیریت منجر می‌شود و شفافیت اطلاعات را کاهش می‌دهد.

با توجه به مطالب پیش‌گفته، این پرسش‌ها مطرح می‌شود که آیا سطح توانایی مدیریت، عامل مهمی در شفافیت اطلاعات شرکت‌ها است و آیا پیچیدگی شرکت بر ارتباط بین توانایی مدیریت و شفافیت اطلاعات شرکت‌ها تأثیر می‌گذارد. بر اساس این، هدف اصلی پژوهش حاضر، فراهم کردن شواهدی

برای پاسخ‌گویی به پرسش‌های مطرح‌شده درباره تأثیر پیچیدگی شرکت بر ارتباط بین توانایی مدیریت و عدم شفافیت اطلاعات در شرکت‌های پذیرفته‌شده در بورس اوراق بهادار تهران است. در عصری که شرکت‌ها برای بقا در بازارهای رقابتی با چالش‌های فراوانی روبه‌رو هستند، شناسایی عوامل مؤثر بر شفافیت اطلاعات شرکت از اهمیت بسزایی برخوردار است و می‌تواند ذی‌نفعان سازمان‌ها را در امر برنامه‌ریزی یاری رساند. نتایج این پژوهش موجب بسط مبانی نظری متون مرتبط با توانایی مدیریت و شفافیت اطلاعاتی شرکت‌ها می‌شود و ایده‌های جدیدی برای انجام پژوهش‌های بعدی درخصوص موضوع پژوهش پیشنهاد می‌کند. شایان ذکر است تأثیر بالقوه پیچیدگی شرکت بر ارتباط بین توانایی مدیریت و عدم شفافیت اطلاعات شرکت، موضوعی بسیار بااهمیت است که نمونه آن در داخل کشور تا کنون مطالعه نشده است؛ بنابراین، بررسی این موضوع از نوآوری‌های پژوهش پیش‌رو است. در ادامه، پس از بررسی مبانی نظری و پیشینه پژوهش، فرضیه‌های آزمون‌شده و روش‌های به کار گرفته شده برای آزمون فرضیه‌ها ارائه می‌شود. در پایان نیز موضوع پژوهش پس از ارائه یافته‌های پژوهش بحث و نتیجه‌گیری می‌شود.

مبانی نظری و پیشینه پژوهش

توانایی مدیریت و شفافیت شرکت

شفافیت اطلاعاتی، شاخص عملکرد مدیریت در ارائه اطلاعات ضروری به شکلی صحیح، روشن، به‌موقع و دردسترس است [۲۳]. شفافیت در گزارشگری مالی سبب تسهیل نظارت بر عملکرد مدیران از سوی سهامداران می‌شود؛ حال آنکه باوجود

عدم شفافیت در گزارشگری مالی، کنترل و نظارت سهامداران بر مدیران کاهش خواهد یافت. به بیان دیگر، افشای صحیح و مناسب اطلاعات مالی، مسئله نمایندگی را با پرکردن شکاف عدم تقارن اطلاعاتی بین مدیران و سهامداران تعدیل می‌کند. حال آنکه افشای مالی ضعیف موجب گمراه‌شدن سهامداران می‌شود و اثر نامطلوبی بر ثروت آنان دارد. هیلی و پالپو [۳۴] معتقدند شرکت‌ها می‌توانند از طریق گزارشگری مالی و افشای اطلاعات، عدم تقارن اطلاعاتی و تضادهای نمایندگی بین مدیران و سرمایه‌گذاران خارجی را کاهش دهند؛ از این رو، کیفیت افشا بر کیفیت تصمیمات سرمایه‌گذاری تأثیر می‌گذارد. افشای کافی اطلاعات توسط شخصیت اقتصادی، به سرمایه‌گذاران و بستانکاران در جستجوی فرصت‌های سرمایه‌گذاری یاری می‌کند و بدین‌سان سرمایه‌به‌کارترین شرکت‌ها روانه می‌شود. بوشمن و همکاران [۲۹] شفافیت اطلاعات مالی را توان دسترسی گسترده به اطلاعات مربوط و اتکاپذیر درباره عملکرد مالی، وضعیت مالی، فرصت‌های سرمایه‌گذاری، حاکمیت، ارزش و خطرپذیری شرکت‌ها در اقتصاد تعریف کرده‌اند. تصمیم‌گیری درباره شفافیت اطلاعاتی شرکت، یکی از وظایف مدیران است. پژوهش‌ها نشان داده‌اند مدیران توانمند، آگاهی بیشتری درباره وضعیت شرکت و صنعت دارند و در شرایط مختلف می‌توانند با افزایش سطح افشای اطلاعات، علامت‌دهی مناسبی به بازار سرمایه داشته باشند و هزینه‌های نمایندگی را کاهش دهند؛ بنابراین، مدیران با توانایی بالا، انگیزه بیشتری برای افشای اطلاعات به بازار دارند تا بتوانند عملکرد خوب خود را به بازار سرمایه، ارائه و مزیت‌های رقابتی کسب کنند [۳۹].

توانایی مدیریت، یکی از ابعاد سرمایه انسانی شرکت‌هاست که به‌عنوان دارایی نامشهود طبقه‌بندی

می‌شود. دمیرجان و همکاران (۲۰۱۲) توانایی مدیریت را کارایی مدیران نسبت به رقبای در تبدیل منابع شرکت به درآمد تعریف می‌کنند. این منابع تولید درآمد در شرکت‌ها عبارت‌اند از بهای موجودی‌ها، هزینه‌های اداری و توزیع و فروش، دارایی‌های ثابت، اجاره‌های عملیاتی، هزینه‌های تحقیق و توسعه گذشته و دارایی‌های نامشهود شرکت (دمیرجان و همکاران، ۲۰۱۲). توانایی مدیریتی بالاتر به مدیریت کاراتر عملیات روزانه شرکت منجر می‌شود؛ به‌ویژه در دوره‌های بحرانی عملیات که تصمیم‌گیری‌های مدیریتی تأثیر زیادی بر عملکرد شرکت دارند. مدیران تواناتر با احتمال بیشتری در پروژه‌های با ارزش فعلی خالص مثبت بالاتر سرمایه‌گذاری می‌کنند و همچنین، توانایی بیشتری در اجرای مناسب آنها دارند. افزون بر این، در دوره‌هایی که شرکت با بحران روبه‌روست، مدیران تواناتر تصمیم‌گیری مناسب‌تری در ارتباط با تأمین منابع مورد نیاز دارند (اندرو و همکاران، ۲۰۱۳). مدیران تواناتر علاوه بر داشتن دانش و آگاهی بیشتر درباره مشتریان و شرایط کلان اقتصادی، درک بهتری درباره معیارهای پیچیده‌تر دارند و قادرند آنها را به درستی اجرا کنند (دمیرجان و همکاران، ۲۰۱۳). مدیران تواناتر درک مناسب‌تری از فناوری و روند صنعت دارند و با اتکای بیشتری تقاضای محصولات را پیش‌بینی می‌کنند. همچنین، سرمایه‌گذاری مناسب‌تر در پروژه‌های با ارزش‌تر و مدیریت کارای کارمندان نیز از ویژگی مدیران توانمند است. در کوتاه‌مدت انتظار بر این است مدیرانی که توانایی‌های بیشتری دارند، با استفاده از سطح معینی از منابع، درآمد بیشتری ایجاد کنند یا با استفاده از منابع کمتر، به سطح معینی از درآمد دست یابند (دمیرجان و همکاران، ۲۰۱۲). به بیان دیگر، چنین مدیرانی کارایی منابع به‌کاررفته را به حداکثر می‌رسانند [۹].

پژوهش‌های متعددی نشان داده‌اند مدیران با توانایی بیشتری، عملکرد بهتری در شرکت برای سهامداران خود دارند [۳۹]. فرانسیس و همکاران (۲۰۰۸) بیان می‌دارند مدیران توانا و خوش‌نام به دو دلیل، تمایل کمتری به گزارشگری غیرشفاف دارند. نخست اینکه، این مدیران به دلیل ارزش‌های اخلاقی و همچنین، حفظ شهرت و جایگاه خود در مقایسه با سایر مدیران به گزارشگری شفاف اقدام می‌کنند. دوم اینکه، با توجه به نتایج پژوهش‌های فرانسیس و همکاران (۲۰۰۴؛ ۲۰۰۵) که نشان داده‌اند کیفیت بالای گزارشگری مالی به کاهش هزینه سرمایه منجر می‌شود، کیفیت ضعیف گزارشگری مالی از سوی مدیران توانا و خوش‌نام، با هزینه سرمایه بالا، جریمه سنگینی را برای این مدیران در پی خواهد داشت [۱۷]؛ بنابراین، انتظار می‌رود توانایی مدیریت با شفافیت اطلاعات شرکت مرتبط باشد.

پیچیدگی شرکت، توانایی مدیریت و شفافیت شرکت

با وجود همه استدلال‌هایی که در ارتباط با شفافیت بیشتر وجود دارد، شرکت‌ها تمایلی به شفافیت کامل ندارند. دلایل متعددی برای این موضوع بیان شده است که مهم‌ترین آنها عبارت‌اند از هزینه‌های مرتبط با جمع‌آوری، پردازش و افشای اطلاعات، وجود منافع مرتبط با عدم افشا و وجود پدیده اثرات خارجی. در چنین شرایطی، قوانین سختگیرانه مرتبط با افشا مطلوب نیست و شرکت‌ها به دنبال راه‌کارهایی برای عدم افشا یا افشای کمتر خواهند بود [۱۵]. اطلاعات عملکرد مالی شرکت با افشای مدیریت به استفاده‌کنندگان منتقل می‌شود. مدیران ممکن است به دو دلیل اطلاعات را به سرمایه‌گذاران منتقل نکنند.

نخست، مدیران به همه اطلاعاتی که در ارزیابی عملکرد و وضعیت شرکت مفیدند، دسترسی ندارند. دوم، مدیران به اطلاعاتی دسترسی دارند که در تجدید ارزیابی عملکرد مالی شرکت مفید است؛ ولی جمع‌آوری، تحلیل و انتقال آنها به سرمایه‌گذاران بسیار پرهزینه است. احتمال اینکه این دو حالت با افزایش پیچیدگی سازمانی حادث شود، وجود دارد [۷].

بوشمن و همکاران [۲۹] معتقدند پیچیدگی شرکت می‌تواند بر تصمیمات شفافیت شرکت توسط مدیران تأثیر بگذارد. ایگور [۳۹] نیز در پژوهش خود بیان کرد سطح پیچیدگی شرکت یک تعیین‌کننده مهم در انتخاب مدیران شرکت است؛ بنابراین، یک احتمال بالقوه وجود دارد که تصمیمات درباره شفافیت شرکت نتیجه‌ای از پیچیدگی شرکت باشد تا توانایی مدیریت؛ به این ترتیب که پیچیدگی محیط شرکت باعث افزایش عدم اطمینان در ارزیابی آینده واحد تجاری می‌شود [۱۹] و نااطمینانی ایجادشده در محیط تجاری می‌تواند بر توانایی مدیران در پردازش اطلاعات تأثیر بگذارد که به افزایش نااطمینانی اطلاعاتی، عدم تقارن اطلاعاتی و خطا در برآورد سود توسط مدیریت منجر می‌شود و شفافیت اطلاعات را کاهش می‌دهد.

کلین (۱۹۹۸) اظهار داشت شرکت‌های پیچیده، نیازهای مشاوره‌ای بیشتری دارند؛ بنابراین، نیازمند هیأت مدیره‌های بزرگ‌تر و مدیران تواناتری هستند. شرکت‌ها می‌توانند در ابعاد مختلف مانند دامنه عملیات، اندازه و میزان اعتماد به سرمایه خارجی پیچیده باشند. در بیشتر پژوهش‌های انجام‌شده در این زمینه، تأثیر ویژگی‌های خاص شرکت شامل اندازه و اهرم مالی شرکت به‌عنوان معیارهای پیچیدگی [۳۱]، [۳۹] بر تصمیمات شفافیت اطلاعات شرکت توسط

کرد افشای بهتر و با کیفیت‌تر اطلاعات، تبعات مناسبی برای شرکت نخواهد داشت و انتظار می‌رود مدیران کیفیت افشای خود را افزایش ندهند [۱۲].

مباحث فوق حاکی از این است که شواهد تجربی مربوط به تأثیر پیچیدگی شرکت بر افشای اطلاعات متفاوت است. به عبارت دیگر، تأثیر پیچیدگی شرکت بر افشای اطلاعات، وابسته به مزیت نسبی منافع و هزینه‌ها است؛ بنابراین، نیازمند پژوهش‌های تجربی بیشتری است و انتظار می‌رود پیچیدگی شرکت بر ارتباط بین توانایی مدیریت و شفافیت اطلاعات تأثیرگذار باشد.

پیشینه تجربی

جبارزاده کنگرلویی و رادی [۶] به بررسی رابطه بین توانایی مدیریت و شفافیت شرکتی با تأکید بر ضعف کنترل‌های داخلی پرداختند. نتایج آنها نشان دادند بین توانایی مدیریت و شفافیت شرکتی رابطه مستقیم وجود دارد. همچنین، ضعف کنترل‌های داخلی بر رابطه بین توانایی مدیریت و شفافیت شرکتی تأثیر معناداری دارد. بشیری منش و مهری کامرود [۴] به بررسی تأثیر توانایی مدیریت بر کیفیت افشای اطلاعات با تأکید بر محافظه‌کاری پرداختند. یافته‌های پژوهش نشان می‌دهند توانایی مدیران تأثیر مثبت و معناداری بر کیفیت افشای اطلاعات دارد. همچنین، محافظه‌کاری بر کیفیت افشای اطلاعات تأثیر منفی و معناداری دارد؛ اما شواهدی بر تأثیرگذاری محافظه‌کاری بر رابطه بین توانایی مدیر و کیفیت افشای اطلاعات مشاهده نشد. دیدار و همکاران [۱۰] به بررسی تأثیر کیفیت حاکمیت شرکتی بر کیفیت افشا با تأکید بر نقش تعدیل‌کننده رقابت بازار محصول در شرکت‌های پذیرفته‌شده در بورس اوراق بهادار تهران پرداختند. نتایج آنها نشان

مدیران بررسی شده است. درباره چگونگی ارتباط بین پیچیدگی شرکت و کیفیت افشا، دیدگاه‌های متفاوتی مطرح شده است. بر مبنای مطالعات نظری واسان و بون (۲۰۱۰) و آتیگ و همکاران (۲۰۰۶)، شرکت‌های بزرگ‌تر به دلیل توجه بیشتر از سوی بازار، قانون‌گذاران و تحلیل‌گران، بیش از شرکت‌های کوچک در معرض موشکافی و بررسی توسط عموم قرار دارند و از این نظر، مدیران این شرکت‌ها تمایل به افشای میزان بیشتری اطلاعات دارند (یاتریدیس، ۲۰۱۱) تا وجوه بیشتری را با هزینه سرمایه کمتر به دست آورند (بوتوسان، ۱۹۹۷) و همچنین، به کاهش هزینه‌های نمایندگی کمک کنند (واتز و زیمرمن، ۱۹۸۳). با وجود این، جنسن و مک‌لینگ (۱۹۷۶)، استدلال متفاوتی آورده‌اند؛ مبنی بر اینکه مدیران شرکت‌های بزرگ قاعدتاً باید به دلیل هزینه‌های سیاسی بالاتر، مقررات سرسختانه‌تر، مالیات و نیز مقررات اجتماعی، انگیزه‌ای برای مضایقه از انتشار اطلاعات داشته باشند [۸].

پژوهش‌های نظری ارتباط بین اهرم مالی و کیفیت افشا نیز بیان‌کننده این است که با افزایش مبلغ بدهی‌ها مدیران برخی از شرکت‌ها درصدد آن خواهند بود که با افشای بهتر و بیشتر اطلاعات خود، نااطمینانی اعتباردهندگان را کاهش دهند؛ زیرا اعتباردهندگان برای اعطای اعتبار، صورت‌های مالی حسابرسی شده درخواست می‌کنند و هرچه کیفیت اطلاعات ارائه‌شده بالاتر باشد، اعطای اعتبار راحت‌تر صورت می‌گیرد. همچنین، مدیران سعی می‌کنند تا با گزارش اطلاعات با کیفیت بالا، هزینه بهره و سایر شروط محدودکننده قراردادهای بدهی را کاهش دهند [۲]؛ اما هر چقدر نسبت بدهی بالاتر رود، ظرفیت استقراضی شرکت، کاهش و ریسک ورشکستگی افزایش خواهد یافت. در این صورت می‌توان بیان

دادند کیفیت حاکمیت شرکتی بر کیفیت افشا تأثیر مثبت و معناداری دارد؛ اما رقابت بازار محصول در حالت کلی بر این رابطه تأثیر معناداری ندارد. جهان‌شاد و زالی [۷] به بررسی تأثیر پیچیدگی سازمانی بر رفتار پیش‌بینی سود پرداختند. نتایج آنها نشان می‌دهند پیچیدگی سازمانی در هر دو سطح پیچیدگی هزینه و پیچیدگی اطلاعاتی خود اثر کاهشی بر صحت و خوش‌بینی پیش‌بینی سود مدیریت دارد. سپاسی و کاظم‌پور [۱۲] به بررسی عوامل اثرگذار بر هزینه نمایندگی و کیفیت افشای اطلاعات پرداختند. یافته‌های آنها حاکی از آن است که ساختار سرمایه، مالکیت مدیریتی و مدیریت سود تأثیر منفی و معناداری بر کیفیت افشا اطلاعات می‌گذارند؛ اما رابطه معناداری بین مالکیت نهادی و کیفیت افشا مشاهده نشد. حاجیان و همکاران [۸] به بررسی عوامل مؤثر بر سطح افشای اطلاعات شرکت‌های پذیرفته‌شده در بورس اوراق بهادار تهران پرداختند. نتایج نشان می‌دهند رابطه معنی‌داری بین اندازه شرکت، اهرم مالی و سن شرکت با سطح افشای اطلاعات وجود ندارد؛ با این حال، رابطه مستقیم و معنی‌داری بین سودآوری شرکت و وضعیت نقدینگی آن با سطح افشا مشاهده شد. ایزدی‌نیا و همکاران [۳] به بررسی تأثیر توانایی مدیریت بر کیفیت سود در شرکت‌های پذیرفته‌شده در بورس اوراق بهادار تهران پرداختند. آنها از تجدید آرائه صورت‌های مالی (سود و زیان) به‌عنوان یکی از معیارهای کیفیت سود استفاده کردند. نتایج پژوهش آنها نشان دادند بین توانایی مدیریت و تجدید آرائه صورت‌های مالی رابطه منفی و معناداری وجود دارد. به عبارت دیگر، در شرکت‌هایی با مدیران توانمندتر، تجدید آرائه صورت‌های مالی کمتر است؛ در نتیجه، این شرکت‌ها

کیفیت سود بالاتری دارند. پیری و همکاران [۵] تأثیر توانایی مدیریتی بر کیفیت گزارشگری مالی در طول چرخه عمر شرکت‌های پذیرفته‌شده در بورس اوراق بهادار تهران را بررسی کردند. نتایج نشان دادند در دوره رشد، توانایی مدیریتی تأثیر مستقیم و معناداری بر کیفیت گزارشگری مالی شرکت‌ها دارد. در صورتی که در دوره بلوغ و افول، توانایی‌های مدیریتی شرکت‌ها نمی‌تواند به افزایش کیفیت گزارشگری این شرکت‌ها منجر شود. همچنین، نتایج نشان‌دهنده تأثیر مستقیم اندازه شرکت، حاشیه سود و صداقت مدیریت و تأثیر غیرمستقیم اهرم مالی بر کیفیت گزارشگری مالی شرکت‌هاست. مشایخی و فرهادی [۲۰] به بررسی تأثیر اندازه شرکت بر رابطه بین کیفیت افشا و هزینه حقوق صاحبان سهام شرکت‌های پذیرفته‌شده در بورس اوراق بهادار تهران پرداختند. نتایج پژوهش نشان می‌دهند رابطه منفی و معنی‌داری بین کیفیت افشا و هزینه حقوق صاحبان سهام برای گروه شرکت‌های بزرگ وجود دارد؛ اما چنین رابطه‌ای برای گروه شرکت‌های کوچک‌تر از میانگین مشاهده نمی‌شود. ستایش و کاظم‌نژاد [۱۳] به شناسایی و تبیین عوامل مؤثر بر کیفیت افشای اطلاعات شرکت‌های پذیرفته‌شده در بورس اوراق بهادار تهران پرداختند. نتایج پژوهش حاکی از آن است که کیفیت افشا، رابطه مستقیم و معناداری با سابقه، نقدینگی، سودآوری و اندازه مؤسسه حسابرسی و همچنین، رابطه معکوس و معناداری با اهرم مالی و مالکیت خانوادگی شرکت‌ها دارد. افزون بر این، براساس آزمون تحلیل واریانس، نوع صنعت بر کیفیت افشا مؤثر است. با وجود این، شواهدی دال بر وجود رابطه معنادار بین کیفیت افشا با اندازه شرکت و ترکیب هیئت‌مدیره یافت نشد.

المامون و همکاران [۲۴] نشان دادند هرچه قدرت مدیران بیشتر می‌شود، ریسک کاهش قیمت سهام نیز بیشتر می‌شود. به علاوه، این ارتباط در شرکت‌هایی بیشتر مشهود است که مدیرعامل از توانایی پایین‌تری برخوردار است. ساییدو [۳۸] نشان داد توانایی مدیرعامل، سودآوری شرکت را بهبود می‌بخشد. یجیانگ و همکاران [۴۰] بیان داشتند هرچه نااطمینانی سیاسی اقتصادی بیشتر باشد، عدم شفافیت سود نیز بیشتر می‌شود. ایگور [۳۹] در پژوهشی تأثیر توانایی مدیرعامل بر عدم شفافیت اطلاعات شرکت را بررسی کرد. تحلیل او نشان می‌دهد شرکت‌های با مدیرعامل‌های با توانایی بالا به‌طور معناداری ابهام کمتری نسبت به شرکت‌هایی دارند که مدیرعامل‌های با توانایی پایین دارند. بوچکای و همکاران [۲۸] در پژوهشی تأثیر توانایی مدیران را بر افشای اختیاری اطلاعات بررسی کردند. نتایج آنها نشان دادند مدیران توانمند سعی می‌کنند برای ارائه عملکرد خوب به بازار کار، سطح افشای اختیاری، به‌ویژه در بعد اطلاعات چشم‌انداز آتی را افزایش دهند و چشم‌انداز مثبتی را ترسیم کنند. بیک و همکاران [۲۷] در پژوهشی با ملاحظه شرایط بین‌المللی، به بررسی ارتباط قابلیت‌های مدیران و کیفیت سود و نقش نهادهای قانونی کشورها بر این رابطه اقدام کردند. آنها نشان دادند مدیران توانا، به ارائه گزارش‌هایی اقدام می‌کنند که در آنها کیفیت اقلام تعهدی، پایین، هموارسازی سود، زیاد و همچنین، مدیریت سود واقعی بیشتر است. همچنین، کیفیت نهادهای قانونی کشورها باعث کاهش رابطه منفی بین قابلیت مدیران و کیفیت سود می‌شود. بیک و همکاران [۲۶] در پژوهشی تأثیر توانایی مدیران ارشد اجرایی بر پیش‌بینی مدیریت سود را بررسی کردند. نتایج پژوهش آنان نشان دادند پیش‌بینی مدیران ارشد

اجرایی دارای توانایی بالاتر در مقایسه با مدیران ارشد اجرایی دارای توانایی کمتر، از دقت بالاتری برخوردار است و بازار به اخبار پیش‌بینی مدیران ارشد دارای توانایی بالاتر نسبت به مدیران ارشد اجرایی با توانایی کمتر، توجه بیشتری می‌کند. چو و هوآ [۳۰] در پژوهشی به بررسی این موضوع پرداختند که آیا قابلیت‌های مدیران، توانایی ارائه اطلاعات مفید درباره سودهای آتی شرکت به بازار سرمایه را دارد. نتایج حاکی از آن است که بازده سهام در شرکت‌های با مدیران توانا نسبت به شرکت‌های با مدیران ضعیف، منعکس‌کننده سودهای آتی بیشتری‌اند. همچنین، آنها نشان دادند قابلیت‌های مدیران بر اظهارنظرهای تحلیل‌گران درباره شرکت، تأثیر مثبت می‌گذارد و باعث ترغیب سرمایه‌گذاران به سرمایه‌گذاری در شرکت می‌شود.

فرضیه‌های پژوهش

با توجه به مبانی نظری ارائه شده در قسمت‌های قبل، فرضیه‌های پژوهش به شرح ذیل تدوین می‌شوند:

فرضیه اول: بین توانایی مدیریت و عدم شفافیت اطلاعات شرکت رابطه منفی و معناداری وجود دارد.
فرضیه دوم: پیچیدگی شرکت بر ارتباط بین توانایی مدیریت و عدم شفافیت اطلاعات شرکت اثر تعدیل‌کننده کاهش می‌دهد.

روش‌شناسی پژوهش

پژوهش حاضر، توصیفی از نوع همبستگی و بر مبنای هدف از نوع کاربردی است و به روش پس‌رویدادی انجام شده است. جامعه آماری این پژوهش از کلیه شرکت‌های پذیرفته شده در بورس

اوراق بهادار تهران تشکیل شده است که از ابتدای سال ۱۳۸۹ تا پایان سال ۱۳۹۷ در بورس فعال بوده‌اند. در انتخاب شرکت‌ها معیارهای گزینشی زیر انتخاب شدند: سال مالی شرکت‌ها منتهی به پایان اسفندماه است؛ به دلیل حذف شرکت‌های ورشکسته، ارزش دفتری حقوق صاحبان سهام شرکت‌های نمونه مثبت باشد؛ به دلیل ماهیت خاص فعالیت، تنها از اطلاعات شرکت‌های تولیدی استفاده می‌شود و شرکت‌های فعال در سایر بخش‌ها (سرمایه‌گذاری، بانک‌ها، بیمه‌ها، واسطه‌گری‌ها) حذف می‌شوند؛ به منظور سیال بودن سهام شرکت‌ها و در نتیجه، اتکاپذیر بودن قیمت سهام و بازده آن و برای مقایسه بهتر، شرکت‌ها بیش از ۳ ماه وقفه معاملاتی نداشته باشند و از شرکت‌هایی استفاده می‌شود که طی بازه زمانی پژوهش از فهرست شرکت‌های پذیرفته شده حذف نشده‌اند و داده‌های لازم در دوره پژوهش برای آنها به‌طور کامل در دسترس‌اند. تعداد ۱۰۶ شرکت حائز شرایط فوق به‌عنوان نمونه پژوهش انتخاب شدند. پس از جمع‌آوری داده‌ها، برای جمع‌بندی و محاسبات از نرم‌افزار اکسل استفاده شده است. سپس تجزیه و تحلیل نهایی به وسیله الگوی رگرسیونی چندمتغیره و با استفاده از نرم‌افزار استاتا انجام شده است.

الگوها و متغیرهای پژوهش

برای آزمون فرضیه اول پژوهش، به پیروی از ایگور [۳۹]، الگوی (۱) به شرح ذیل برآورد شده است:

$$\begin{aligned} \text{Opacity index} & \text{ الگوی} \\ = \alpha_0 + \alpha_1(\text{Ability}) + \alpha_2(\text{Firm size}) & \\ + \alpha_3(\text{Growth}) + \alpha_4(\text{CAPX}) & \quad (1) \\ + \alpha_5(\text{Debt ratio}) + \alpha_6(\text{Risk}) & \\ + \alpha_7(\text{Performance}_{t-1}) + \varepsilon & \end{aligned}$$

برای آزمون فرضیه دوم پژوهش، به پیروی از ایگور [۳۹]، الگوی (۲) به شرح ذیل برآورد شده است:

$$\begin{aligned} \text{Opacity index} & \text{ الگوی} \\ = \alpha_0 + \alpha_1(\text{Ability}) + \alpha_2(\text{Ability}) & \\ \times (\text{Complex}) + \alpha_3(\text{Firm size}) & \quad (2) \\ + \alpha_4(\text{Growth}) + \alpha_5(\text{CAPX}) & \\ + \alpha_6(\text{Debt ratio}) + \alpha_7(\text{Risk}) & \\ + \alpha_8(\text{Performance}_{t-1}) + \varepsilon & \end{aligned}$$

که در آن؛

متغیر وابسته:

Opacity index عدم شفافیت اطلاعات شرکت است که با استفاده از رتبه‌بندی سه معیار ذیل اندازه‌گیری شده است. مطابق اندرسون و همکاران [۲۵]، درجه ابهام شرکت با افزایش رتبه این شاخص افزایش پیدا می‌کند [۳۹]. نحوه اندازه‌گیری رتبه شاخص عدم شفافیت اطلاعات شرکت به این ترتیب است که هر یک از معیارهای عدم شفافیت اطلاعات شرکت از بزرگ‌ترین تا کوچک‌ترین رقم، مرتب‌سازی و دسته‌بندی می‌شوند؛ به این صورت که دهک اول امتیاز ۱۰، دهک دوم امتیاز ۹ تا آخرین دهک که امتیاز ۱ می‌گیرد. سپس، امتیازهای هر یک از معیارهای عدم شفافیت اطلاعات شرکت با هم جمع می‌شوند و به فاکتور ۳۰ (کل امتیازهای احتمالی) تقسیم می‌شوند تا یک شاخص در محدوده ۰/۱ تا ۱ به دست آید. ارزش‌های پایین‌تر، بیان‌کننده شرکت‌هایی با بیشترین شفافیت و ارزش‌های بالاتر، بیان‌کننده شرکت‌هایی با بیشترین ابهام‌اند [۲۵].

Volume معاملات تجاری (نماینده نااطمینانی اطلاعاتی): لگاریتم طبیعی میانگین حجم معاملات روزانه شرکت طی هر سال [۳۷]. بالا بودن حجم معاملات سهام شرکت، نااطمینانی سهامدار به سهام شرکت را نشان می‌دهد و این امر به شفافیت پایین اطلاعات شرکت منجر می‌شود [۶]. از این معیار در پژوهش‌های جبارزاده کنگرلویی و رادی [۶]،

سنجش کارایی شرکت با تحلیل پوششی داده‌ها، برگرفته از مدل دمیرجان و همکارانش (۲۰۱۲) است. پژوهش حاضر، مشابه روش یادشده برای بیان خروجی شرکت از متغیر فروش شرکت استفاده می‌کند و برای ورودی از دارایی‌های ثابت، دارایی‌های نامشهود، بهای تمام‌شده، هزینه‌های اداری، عمومی و فروش بهره می‌برد. در مدل دمیرجان و همکارانش (۲۰۱۲) برای ورودی از مخارج تحقیق و توسعه، خالص اجاره عملیاتی و سرقتی هم استفاده شده است که به دلیل دسترسی نداشتن به داده‌های آن در ایران، این متغیرها در مدل لحاظ نشده‌اند [۲۱]. رابطه (۱) و الگوی (۳) برای سنجش کارایی شرکت استفاده شده‌اند.

رابطه (۱)

$$\max_y^{\theta} = \frac{\text{Sales}_{it}}{v_1 \text{COGS}_{it} + v_2 \text{SG\&A}_{it} + v_3 \text{PPE}_{it} + v_4 \text{Other Intan}_{it}}$$

در این مدل:

Sales درآمد حاصل از فروش برای شرکت i در سال t

COGS بهای تمام‌شده کالای فروش‌رفته برای شرکت i در سال t

SG&A هزینه‌های عمومی، اداری و فروش برای شرکت i در سال t

PPE خالص دارایی‌های ثابت برای شرکت i در سال t
Other Intan دارایی‌های نامشهود برای شرکت i در سال t

θ max کارایی شرکت

کارایی شرکت‌ها متأثر از دو عامل ویژگی‌های خاص شرکتی و توانایی مدیر است (الگوی (۳) این رابطه را نشان می‌دهد). پس از حذف ویژگی‌های خاص شرکتی، مقدار باقیمانده بیان‌کننده توانایی‌های مدیر است [۲۱].

کردستانی و همکاران [۱۸]، ستایش و همکاران [۱۴]، ایگور [۳۹] و اندرسون و همکاران [۲۵] به‌عنوان شاخص معکوس شفافیت اطلاعات بهره گرفته شده است.

Spread اختلاف قیمت خرید و فروش سهام (نماینده عدم تقارن اطلاعاتی): شکاف قیمت پیشنهادی خرید و فروش سهام تقسیم بر میانگین قیمت پیشنهادی خرید و فروش سهام [۳۳].

Forecast error خطای پیش‌بینی سود (معیار رسیدگی بازار و دردسترس بودن اطلاعات): نسبت تفاوت بین اولین سود هر سهم پیش‌بینی‌شده و سود واقعی هر سهم به قیمت سهام [۳۶].

متغیر مستقل

Ability توانایی مدیریت که با استفاده از رتبه‌بندی الگوی دمیرجان و همکاران (۲۰۱۲) اندازه‌گیری شده است. توانایی مدیران به مفهوم استفاده بهینه مدیران از منابع است؛ به این معنا که در سطح ثابتی از منابع بتوانند به خروجی بیشتری برسند یا منابع کمتری برای رسیدن به خروجی مدنظر استفاده کنند. در این پژوهش، برای اندازه‌گیری توانایی‌های مدیریت، ابتدا کارایی شرکت‌ها به کمک روش تحلیل پوششی داده‌ها (DEA) محاسبه می‌شود. تحلیل پوششی داده‌ها، کارایی نسبی واحدهایی را اندازه‌گیری می‌کند که ورودی‌ها و خروجی‌های مشابهی دارند. کارایی یا ناکارایی هر واحد تصمیم‌گیرنده به عملکرد آن واحد در انتقال ورودی‌ها به خروجی‌هایش در مقایسه با سایر واحدها در حوزه‌ای خاص بستگی دارد. این روش، مرز کارایی را بین صفر و ۱ برای شرکت‌ها ایجاد می‌کند. شرکت‌هایی با نمره کارایی ۱ شرکت‌هایی بسیار کارا هستند و شرکت‌هایی با نمره کارایی کمتر از ۱ زیر مرز کارایی قرار دارند و باید با کاهش هزینه‌ها یا افزایش درآمدها به مرز کارایی برسند (دمیرجان و همکاران، ۲۰۱۲). در این پژوهش،

شرکت‌ها می‌توانند در ابعاد مختلف مانند دامنه عملیات، اندازه و میزان اعتماد به سرمایه خارجی پیچیده باشند. شرکت‌های متنوع در چندین بخش فعالیت می‌کنند و این تنوع، پیچیدگی آنها را افزایش می‌دهد (رز و شفارد، ۱۹۹۷). علاوه بر این، نیازهای مشاوره مدیران با افزایش منابع شرکت افزایش می‌یابد (پفر، ۱۹۷۲؛ پفر و سلانچیک، ۱۹۷۸؛ کلین، ۱۹۹۸؛ لینال و همکاران، ۲۰۰۳). افزون بر این، شرکت‌های دارای اهرم بالا به میزان بیشتری به منابع خارجی وابسته‌اند و به این دلیل نیازهای مشاوره بیشتری دارند (پفر، ۱۹۷۲؛ کلین، ۱۹۹۸). تنوع، اندازه شرکت و اهرم، شاخص‌های پیچیدگی و نیاز مدیران به مشاوره‌اند. با افزایش پیچیدگی شرکت به موازات هر یک از این ابعاد، به همین ترتیب، نیاز به هیئت‌مدیره‌های بزرگ و مدیران توانا نیز افزایش می‌یابد [۳۱]. در این پژوهش، به پیروی از ایگور [۳۹]، پیچیدگی شرکت با استفاده از معیارهای اندازه شرکت و اهرم مالی اندازه‌گیری شده است. بدین ترتیب که اگر مقدار شاخص پیچیدگی شرکت برای هر دو معیار، مساوی یا بیشتر از ارزش میانه آن باشد، شرکت «پیچیده» نامیده می‌شود. به عبارت دیگر، برای شرکت‌هایی که به لحاظ هر دو معیار ارزش یک گرفته باشند، ارزش یک و در غیراین صورت، ارزش صفر در نظر گرفته شده است.

متغیرهای کنترل:

Firm size اندازه شرکت: لگاریتم طبیعی ارزش دفتری کل دارایی‌ها [۳۹].

پژوهش‌ها نشان داده‌اند اندازه شرکت می‌تواند شاخصی برای میزان اطلاعات قبلی باشد که درباره شرکت در دسترس بوده است [۳۵]. سینگوی و دسای (۱۹۷۱) بیان داشتند شرکت‌های بزرگ به‌منظور دستیابی راحت‌تر به بازار اوراق بهادار و دسترسی

$$\begin{aligned} \text{Firm Efficiency} & \\ = \beta_0 & \\ + \beta_1 \ln(\text{Total Assets}) & \\ + \beta_2 \text{Market Share} & \\ + \beta_3 \text{Positive Free Cash Flow} & \\ + \beta_4 \ln(\text{Age}) & \\ + \beta_5 \text{Foreign Currency Indicator} + \varepsilon & \end{aligned} \quad (۳)$$

که در این مدل:

Firm Efficiency امتیاز کارایی شرکت با روش

تحلیل پوششی داده‌ها

Total Assets جمع دارایی‌ها

Market Share سهم از بازار: مقدار فروش در پایان

سال t تقسیم بر جمع فروش کل صنعت در پایان

سال t

Positive Free Cash Flow جریان‌های نقدی آزاد

مثبت: اگر شرکتی جریان‌های نقدی مثبت داشته باشد،

برابر یک و در غیراین صورت صفر در نظر گرفته

شده است. در این پژوهش برای اندازه‌گیری

جریان‌های نقدی آزاد از شاخص لن و پولسن

(۱۹۸۹) به شرح ذیل استفاده شده است:

جریان‌های نقدی آزاد = سود عملیاتی + هزینه

استهلاک - مالیات بر درآمد - هزینه بهره - سود

سهم تقسیمی

Age تعداد سال‌های فعالیت شرکت از سال

تأسیس

Foreign Currency Indicator نماد ارز خارجی و

متغیر مصنوعی است. در صورتی که شرکت صادرات

داشته باشد، ارزش یک و در غیراین صورت، صفر در

نظر گرفته شده است.

متغیر تعدیل‌گر:

پیچیدگی شرکت (Complex)، متغیر تعدیل‌گر

پژوهش است. کلین (۱۹۹۸) اظهار داشت شرکت‌های

پیچیده، نیازهای مشاوره‌ای بیشتری دارند؛ بنابراین،

نیازمند هیئت‌مدیره بزرگ‌تر و مدیران تواناتری‌اند.

علامت‌دهی به بازار و نشانه‌ای از وضعیت رو به بهبود شرکت می‌دانند و معتقدند مدیران با افشای دقیق میزان اطلاعات مخارج سرمایه‌ای، به بازار در رابطه با وضعیت مناسب و رو به رشد خود علامت می‌دهند [۱۱].

Debt ratio بدهی بلندمدت: نسبت بدهی بلندمدت به کل دارایی‌ها [۳۹].

پژوهش‌ها نشان داده‌اند با افزایش مبلغ بدهی‌ها مدیران برخی از شرکت‌ها درصدد آن خواهند بود که با افشای بهتر و بیشتر اطلاعات خود، نااطمینانی اعتباردهندگان، هزینه بهره و سایر شروط محدودکننده قراردادهای بدهی را کاهش دهند [۲]. درمقابل، اهرم مالی بالا شرکت را با ریسک مالی بیشتر در آینده مواجه می‌کند. همین امر ممکن است به پرداخت نکردن تعهدات مرتبط باشد؛ بنابراین، افشای بهتر و با کیفیت‌تر اطلاعات، تبعات مناسبی برای شرکت نخواهد داشت و انتظار می‌رود شرکت کیفیت افشای خود را افزایش ندهد [۱۲].

Risk نوسان‌پذیری بازده سهام: انحراف معیار بازده‌های سالانه سهام طی سه سال گذشته [۳۹].

نوسان‌پذیری بیشتر می‌تواند به دلیل تقاضای سرمایه‌گذاران برای اطلاعات، به افشای بیشتر و شفافیت منجر شود؛ زیرا نااطمینانی بیشتری در پیش‌بینی عملکرد برای چنین شرکت‌هایی وجود دارد [۱۶]. درمقابل، یافته‌های پژوهش موسوی شیرینی و همکاران [۲۲] حاکی از آن است که بین کیفیت افشای اطلاعات و نوسان‌پذیری بازده سهام رابطه منفی و معنی‌داری وجود دارد.

Performance_{t-1} عملکرد گذشته شرکت: نسبت سود خالص به ارزش دفتری کل دارایی‌ها در سال گذشته [۳۹].

آسان‌تر به منابع مالی خارجی و همچنین، توجه بیشتر از سوی بازار، قانون‌گذاران و تحلیل‌گران، باید اطلاعات مالی را به وضوح و شفاف ارائه کنند [۱]. با وجود این، جنسن و مک‌لینگ (۱۹۷۶)، استدلال متفاوتی آورده‌اند؛ مبنی بر اینکه مدیران شرکت‌های بزرگ قاعدتاً باید به دلیل هزینه‌های سیاسی بالاتر، مقررات سرسختانه‌تر، مالیات و نیز مقررات اجتماعی، انگیزه‌ای برای مضایقه از انتشار اطلاعات داشته باشند [۸].

Growth رشد فروش: نسبت رشد فروش به کل دارایی‌ها [۳۹].

یافته‌های پژوهش زارزسکی (۱۹۹۶) حاکی از آن است که با افزایش فروش، کیفیت و میزان افشای افزایش می‌یابد [۱۳]. مدیران شرکت‌های سودآور، انگیزه بیشتری برای افشای اطلاعات به بازار دارند تا بتوانند عملکرد خوب خود را به بازار سرمایه، ارائه و مزیت‌های رقابتی کسب کنند [۳۹]. درمقابل، زمانی که سودآوری پایین است، مدیریت ممکن است به منظور پنهان کردن دلایل زیان یا کاهش سود، اطلاعات کمتری افشا کند. مدیریت شرکت تمایلی به ارائه اطلاعات مربوط به کاهش فروش و سود بخش‌ها، به‌ویژه زمانی که یک یا چند بخش زیان‌ده است، ندارد [۱۳].

CAPX مخارج سرمایه‌ای: نسبت مخارج سرمایه‌ای (وجه نقد پرداختی بابت خرید دارایی‌های ثابت) به کل دارایی‌ها [۳۹].

اوسو آنساه (۱۹۹۸) در دفاع از تأثیر احتمالی مخارج سرمایه‌ای بر میزان افشای اطلاعات استدلال می‌کند شرکت‌ها ممکن است به دلایلی از جمله رقابت ترجیح دهند اطلاعات مخارج سرمایه‌ای شرکت را افشا کنند [۶]. لانگبرگ و سیواراماکریشنان (۲۰۱۰) افزایش سطح مخارج سرمایه‌ای را نوعی

یافته‌های پژوهش

آمار توصیفی

به منظور تجزیه و تحلیل اطلاعات، ابتدا آمار توصیفی داده‌های بررسی شده محاسبه و در نگاره (۱) ارائه شد.

سینگوی و دسای (۱۹۷۱) ادعا می‌کنند سودآوری بالاتر باعث می‌شود مدیریت اطلاعات بیشتری برای نشان دادن توانایی‌اش در حداکثرکردن سرمایه سهامداران و افزایش پاداش مدیریتی خود نشان دهد. در مقابل، مدیرانی که سودآوری پایین را تجربه می‌کنند، احساس تهدید می‌کنند و سعی دارند نتایج ضعیف‌شان را با افشای اطلاعات کمتر محو کنند [۶].

نگاره ۱. آمار توصیفی متغیرهای پژوهش

متغیر	نماد	میانگین	میانه	حداکثر	حداقل	انحراف معیار
عدم شفافیت اطلاعات	Opacity index	۰/۵۴۸	۰/۵۶۷	۱/۰۰۰	۰/۱۰۰	۰/۲۰۹
توانایی مدیریت	Ability	-۰/۰۰۱	۰/۰۰۵	۰/۳۳۸	-۰/۵۱۶	۰/۱۲۹
پیچیدگی شرکت	Complex	۰/۲۳۵	۰/۰۰۰	۱/۰۰۰	۰/۰۰۰	۰/۴۲۴
اندازه شرکت	Firm size	۱۳/۸۱۵	۱۳/۷۰۰	۱۹/۰۶۶	۱۰/۰۳۱	۱/۴۴۹
رشد فروش	Growth	۰/۱۰۲	۰/۰۹۲	۲/۷۸۱	-۲/۷۱۶	۰/۲۷۰
مخارج سرمایه‌ای	CAPX	۰/۰۴۰	۰/۰۲۴	۰/۴۳۱	۰/۰۰۰	۰/۰۴۸
بدهی بلندمدت	Debt ratio	۰/۰۶۷	۰/۰۴۳	۰/۵۳۰	۰/۰۰۰	۰/۰۷۳
نوسان‌پذیری بازده سهام	Risk	۰/۷۴۳	۰/۴۹۹	۴/۷۸۶	۰/۰۱۴	۰/۷۱۶
عملکرد گذشته شرکت	Performance	۰/۱۲۹	۰/۱۰۹	۰/۵۷۹	-۰/۲۸۹	۰/۱۲۰

منبع: یافته‌های پژوهش

میانگین و متغیر اندازه شرکت با انحراف ۱/۴۴۹، دارای بیشترین پراکندگی از میانگین است.

آزمون پایایی متغیرهای پژوهش

نتایج ارائه شده در نگاره (۲) نشان می‌دهند سطح معناداری آماره آزمون لوین، لین و چو (۲۰۰۲) کمتر از ۰/۰۵ است و فرضیه صفر مبنی بر ریشه واحد برای متغیرها تأیید نمی‌شود. این مطلب نشان می‌دهد میانگین و واریانس متغیرها در طول زمان و کواریانس آنها بین سال‌های مختلف ثابت است و رگرسیون استفاده شده برای آزمون فرضیه‌های پژوهش کاذب نیست؛ بنابراین، متغیرهای پژوهش مانا هستند.

براساس نگاره (۱)، میانگین رتبه شاخص عدم شفافیت اطلاعات شرکت ۰/۵۴۸ است. همچنین، به طور متوسط ۲۴٪ از شرکت‌های نمونه از پیچیدگی بالایی برخوردارند. با توجه به مثبت بودن میانگین رشد فروش چنین استنباط می‌شود که میزان فروش شرکت‌های نمونه در حال افزایش است. میانگین نوسان‌پذیری بازده سهام با مقدار ۰/۷۴۳ نشان می‌دهد شرکت‌های نمونه، ریسک بالایی دارند. انحراف معیار داده‌ها پراکندگی داده‌ها از میانگین را نشان می‌دهد. انحراف معیار کم، نشان‌دهنده پراکندگی کم داده‌ها از میانگین و انحراف معیار زیاد، نشان‌دهنده پراکندگی زیاد داده‌ها از میانگین است. متغیر مخارج سرمایه‌ای با انحراف معیار ۰/۰۴۸ دارای کمترین پراکندگی از

نگاره ۲. نتایج آزمون پایایی متغیرهای پژوهش

نتیجه	سطح معناداری	آماره t	نماد متغیر	متغیر
پایا	۰/۰۰۰	-۱۵/۲۳۴	Opacity index	عدم شفافیت اطلاعات
پایا	۰/۰۰۰	-۱۶/۲۸۵	Ability	توانایی مدیریت
پایا	۰/۰۰۰	-۵/۱۲۷	Ability*Complex	توانایی مدیریت*پیچیدگی شرکت
پایا	۰/۰۰۰	-۷/۷۹۷	Firm size	اندازه شرکت
پایا	۰/۰۰۰	-۲۳/۵۵۴	Growth	رشد فروش
پایا	۰/۰۰۰	-۱۱/۷۸۶	CAPX	مخارج سرمایه‌ای
پایا	۰/۰۰۰	-۸۹/۲۳۹	Debt ratio	بدهی بلندمدت
پایا	۰/۰۰۰	-۱۶/۱۷۱	Risk	نوسان‌پذیری بازده سهام
پایا	۰/۰۰۰	-۱۲/۹۹۰	Performance	عملکرد گذشته شرکت

منبع: یافته‌های پژوهش

نتایج آزمون تشخیص نوع الگو

برای انتخاب الگوی مناسب برای تخمین، آزمون‌های چاو، بروش پاگان و هاسمن اجرا شده‌اند. نتایج این آزمون‌ها در نگاره (۳) ارائه شده‌اند. سطح معناداری آماره F آزمون چاو، بیانگر ارجحیت الگوی اثرات ثابت بر الگوی اثرات مشترک است. همچنین، سطح معناداری آماره کای بار دو آزمون بروش پاگان، بیان‌کننده ارجحیت الگوی اثرات تصادفی بر الگوی

اثرات مشترک است. به‌منظور تعیین الگوی اثرات ثابت در مقابل اثرات تصادفی از آزمون هاسمن استفاده شده است. سطح معناداری آماره کای دو آزمون هاسمن، نشان‌دهنده ارجحیت الگوی اثرات ثابت بر الگوی اثرات تصادفی است؛ بنابراین، برای تخمین الگوها از روش داده‌های تابلویی با رویکرد اثرات ثابت استفاده شده است.

نگاره ۳. نتایج آزمون‌های چاو، بروش پاگان و هاسمن

الگو	نوع آزمون	آماره آزمون	مقدار آماره	سطح معناداری
۱	چاو	F	۷/۵۵	۰/۰۰۰
۱	بروش پاگان	Chibar2	۴۷۷/۰۵	۰/۰۰۰
۱	هاسمن	chi2	۷۰/۰۶	۰/۰۰۰
۲	چاو	F	۷/۵۵	۰/۰۰۰
۲	بروش پاگان	Chibar2	۴۷۷/۳۴	۰/۰۰۰
۲	هاسمن	chi2	۷۲/۸۱	۰/۰۰۰

منبع: یافته‌های پژوهش

نتایج آزمون فرضیه اول پژوهش

نتایج آزمون فرضیه اول پژوهش در نگاره (۴)

ارائه شده‌اند.

نگاره ۴. نتایج آزمون فرضیه اول پژوهش

متغیر	نماد	ضرایب	خطای استاندارد	آماره z	سطح معناداری	VIF
مقدار ثابت	C	-۰/۳۹۱	۰/۰۶۶	-۵/۹۲	۰/۰۰۰	-
توانایی مدیریت	Ability	-۰/۰۶۳	۰/۰۳۵	-۱/۸۰	۰/۰۷۲	۱/۰۵
اندازه شرکت	Firm size	۰/۰۶۹	۰/۰۰۵	۱۴/۹۷	۰/۰۰۰	۱/۰۱
رشد فروش	Growth	-۰/۰۱۲	۰/۰۱۶	-۰/۷۸	۰/۴۳۶	۱/۰۴
مخارج سرمایه‌ای	CAPX	-۰/۰۵۸	۰/۰۱۶	-۰/۵۵	۰/۵۸۵	۱/۰۹
بدهی بلندمدت	Debt ratio	-۰/۰۷۴	۰/۰۷۶	-۰/۹۷	۰/۳۳۴	۱/۰۵
نوسان‌پذیری بازده سهام	Risk	۰/۰۳۸	۰/۰۰۸	۴/۹۵	۰/۰۰۰	۱/۰۱
عملکرد گذشته شرکت	Performance	-۰/۲۲۱	۰/۰۴۹	-۴/۴۸	۰/۰۰۰	۱/۱۲
آماره Wald chi2 (سطح معناداری)			۲۶۷/۰۸ (۰/۰۰۰)			
نتایج آزمون ناهمسانی واریانس						
نوع آزمون			آماره Chi2 (سطح معناداری)			
والد تعدیل شده			۱۳۷۵/۸۱ (۰/۰۰۰)			
نتایج آزمون خودهمبستگی سریالی						
نوع آزمون			آماره F (سطح معناداری)			
والدریج (۲۰۰۲)			۳۱/۶۳۱ (۰/۰۰۰)			

منبع: یافته‌های پژوهش

آزمون والد کمتر از ۰/۰۵ است؛ از این رو، الگوی رگرسیونی برازش شده از اعتبار کافی برخوردار است. با توجه به نتایج به دست آمده در نگاره (۴)، توانایی مدیریت دارای ضریب منفی و سطح خطای کمتر از ۰/۱ است؛ از این رو، دلیلی برای رد فرضیه اول پژوهش وجود ندارد؛ بنابراین، توانایی مدیریت باعث کاهش سطح عدم شفافیت اطلاعات مالی شرکت‌ها می‌شود. همچنین، متغیرهای کنترلی اندازه شرکت و نوسان‌پذیری بازده سهام شرکت رابطه مثبت و معنادار و متغیر عملکرد گذشته شرکت رابطه منفی و معناداری با عدم شفافیت اطلاعات شرکت دارند.

نتایج آزمون فرضیه دوم پژوهش

نتایج آزمون فرضیه دوم پژوهش در نگاره (۵) ارائه شده‌اند.

برای بررسی همسانی واریانس میان باقیمانده‌های الگو از آزمون والد تعدیل شده استفاده شده است. نتیجه این آزمون برای الگوی اول پژوهش مؤید وجود ناهمسانی واریانس میان باقیمانده‌های الگو است. به منظور رفع مشکل مزبور، الگو به روش حداقل مربعات تعمیم یافته برآورد شده است. همچنین، برای بررسی خودهمبستگی سریالی میان باقیمانده‌های الگو از آزمون والدریج (۲۰۰۲) استفاده شده است. نتیجه این آزمون نشان‌دهنده وجود مشکل خودهمبستگی سریالی بین باقیمانده‌های الگو است. به منظور رفع مشکل مزبور، از روش خودهمبستگی مرتبه اول استفاده شده است. برای بررسی هم‌خطی بین متغیرهای پژوهش از آزمون عامل تورم واریانس استفاده شد. مقدار آماره VIF نشان می‌دهد مشکل هم‌خطی بین متغیرها وجود ندارد. سطح خطای

نگاره ۵. نتایج آزمون فرضیه دوم پژوهش

متغیر	نماد	ضرایب	خطای استاندارد	آماره z	سطح معناداری	VIF
مقدار ثابت	C	-۰/۳۹۱	۰/۰۶۶	-۵/۹۳	۰/۰۰۰	-
توانایی مدیریت	Ability	-۰/۱۱۰	۰/۰۴۲	-۲/۶۴	۰/۰۰۸	۱/۳۹
توانایی مدیریت* پیچیدگی شرکت	Ability*Complex	۰/۱۶۲	۰/۰۷۰	۲/۳۰	۰/۰۲۱	۱/۳۶
اندازه شرکت	Firm size	۰/۰۶۹	۰/۰۰۵	۱۵/۰۲	۰/۰۰۰	۱/۰۳
رشد فروش	Growth	-۰/۰۱۱	۰/۰۱۶	-۰/۶۷	۰/۵۰۱	۱/۰۴
مخارج سرمایه‌ای	CAPX	-۰/۰۶۷	۰/۱۰۶	-۰/۶۳	۰/۵۳۰	۱/۱۰
بدهی بلندمدت	Debt ratio	-۰/۰۶۹	۰/۰۷۶	-۰/۹۰	۰/۳۶۶	۱/۰۵
نوسان پذیری بازده سهام	Risk	۰/۰۳۸	۰/۰۰۸	۴/۹۴	۰/۰۰۰	۱/۰۱
عملکرد گذشته شرکت	Performance	-۰/۲۲۷	۰/۰۴۹	-۴/۶۰	۰/۰۰۰	۱/۱۲
آماره Wald chi2 (سطح معناداری)			۲۷۰/۳۴ (۰/۰۰۰)			
نتایج آزمون ناهمسانی واریانس						
نوع آزمون			آماره Chi2 (سطح معناداری)			
والد تعدیل شده			۱۳۹۹/۵۹ (۰/۰۰۰)			
نتایج آزمون خودهمبستگی سریالی						
نوع آزمون			آماره F (سطح معناداری)			
والد ریچ (۲۰۰۲)			۳۲/۴۴۵ (۰/۰۰۰)			

منبع: یافته‌های پژوهش

استفاده شد. مقدار آماره VIF نشان می‌دهد مشکل هم‌خطی بین متغیرها وجود ندارد. سطح خطای آزمون والد کمتر از ۰/۰۵ است؛ از این رو، الگوی رگرسیونی برازش شده از اعتبار کافی برخوردار است. با توجه به نتایج به دست آمده در نگاره (۵)، توانایی مدیریت دارای ضریب منفی و سطح خطای کمتر از ۰/۰۵ است؛ از این رو، دلیلی برای رد فرضیه اول پژوهش وجود ندارد. همچنین، اثر تعاملی توانایی مدیریت و پیچیدگی شرکت، دارای ضریب مثبت و سطح خطای کمتر از ۰/۰۵ است؛ از این رو، دلیلی برای رد فرضیه دوم پژوهش وجود ندارد؛ بنابراین، توانایی مدیریت باعث کاهش سطح عدم شفافیت اطلاعات مالی شرکت‌ها می‌شود. با وجود این، پیچیدگی در محیط شرکت باعث افزایش عدم

برای بررسی همسانی واریانس میان باقیمانده‌های الگو، از آزمون والد تعدیل شده استفاده شده است. نتیجه این آزمون برای الگوی دوم پژوهش مؤید وجود ناهمسانی واریانس میان باقیمانده‌های الگو است. به منظور رفع مشکل مزبور، الگو به روش حداقل مربعات تعمیم یافته برآورد شده است. همچنین، برای بررسی خودهمبستگی سریالی میان باقیمانده‌های الگو از آزمون والد ریچ (۲۰۰۲) استفاده شده است. نتیجه این آزمون نشان‌دهنده وجود مشکل خودهمبستگی سریالی بین باقیمانده‌های الگو است. به منظور رفع مشکل مزبور، از روش خودهمبستگی مرتبه اول استفاده شده است. برای بررسی هم‌خطی بین متغیرهای پژوهش از آزمون عامل تورم واریانس

شفافیت اطلاعات مالی شرکت‌ها می‌شود و رابطه معکوس بین توانایی مدیریت و عدم شفافیت اطلاعات را به رابطه مستقیم تبدیل کرده است؛ در نتیجه، پیچیدگی در محیط شرکت بر ارتباط بین توانایی مدیریت و عدم شفافیت اطلاعات تأثیر معنادار دارد. همچنین، متغیرهای کنترلی اندازه شرکت و نوسان‌پذیری بازده سهام شرکت رابطه مثبت و معنادار و متغیر عملکرد گذشته شرکت رابطه منفی و معناداری با عدم شفافیت اطلاعات شرکت دارند.

نتیجه‌گیری و پیشنهادها

در این پژوهش به بررسی تأثیر پیچیدگی شرکت بر ارتباط بین توانایی مدیریت و عدم شفافیت اطلاعات در شرکت‌های پذیرفته‌شده در بورس اوراق بهادار تهران پرداخته شد. نتایج پژوهش نشان می‌دهند بین توانایی مدیریت و عدم شفافیت اطلاعات شرکت رابطه منفی و معناداری وجود دارد. به عبارت دیگر، شرکت‌های دارای مدیران با توانایی بالا به‌طور معناداری ابهام کمتری نسبت به سایر شرکت‌ها دارند. می‌توان بیان کرد مدیران توانمند می‌توانند اطلاعات بیشتری را به‌منظور اطلاع‌رسانی بازار درباره مهارت‌های برتر خود افشا کنند. در شرکت‌هایی که مدیران توانمند اداره می‌کنند، عدم تقارن اطلاعاتی کمتری وجود دارد و سرمایه‌گذاران ارزش‌گذاری بالاتری برای چنین شرکت‌هایی دارند. همچنین، یافته‌ها نشان می‌دهند پیچیدگی شرکت بر ارتباط بین توانایی مدیریت و عدم شفافیت اطلاعات شرکت اثر تعدیل‌کننده دارد. به عبارت دیگر، عواملی که باعث ایجاد پیچیدگی در محیط شرکت می‌شوند، باعث افزایش نااطمینانی در ارزیابی آینده واحد تجاری می‌شوند [۱۹] و نااطمینانی ایجادشده در محیط

تجاری می‌تواند بر توانایی مدیران در پردازش اطلاعات تأثیر بگذارد که به افزایش نااطمینانی اطلاعاتی، عدم تقارن اطلاعاتی و خطا در برآورد سود توسط مدیریت منجر می‌شود و شفافیت اطلاعات را کاهش می‌دهد. نتایج این مطالعه با پژوهش جبارزاده کنگرلویی و رادی [۶]، بشیری منش و مهری کامرود [۴]، جهانشاد و زالی [۷]، ایزدی‌نیا و همکاران [۳]، ایگور [۳۹]، بوچکای و همکاران [۲۸]، بیک و همکاران [۲۶] و چو و هوآ [۳۰] در تطابق و با نتایج بیک و همکاران [۲۷] در تضاد است. از علت‌های احتمالی نتایج مغایر بیک و همکاران [۲۷] با پژوهش حاضر، محیط اقتصادی و دوره اقتصادی متفاوت، استفاده از روش‌ها، شاخص‌ها و اندازه نمونه مطالعات مذکور هستند.

با توجه به نتایج پژوهش، پیشنهاد می‌شود سهامداران عمده و اعضای هیئت‌مدیره، در انتخاب و گزینش مدیران، افراد توانمند و کارآمد را انتخاب کنند تا بتوانند با بهبود شفافیت اطلاعاتی در بازار سرمایه، ارزش‌افزایی بیشتری برای مالکان داشته باشند. همچنین، به سرمایه‌گذاران به‌خصوص سرمایه‌گذارانی که قصد خرید و نگهداری سهام دارند، پیشنهاد می‌شود هنگام انتخاب مقصد سرمایه‌گذاری، به توانایی مدیریت توجه ویژه‌ای داشته باشند؛ زیرا طبق نتایج پژوهش، توانایی مدیریت رابطه معکوسی با عدم شفافیت اطلاعات شرکت دارد. پیرو پیشنهاد دوم، به سازمان بورس اوراق بهادار پیشنهاد می‌شود سازوکاری اتخاذ کند تا شرکت‌ها اطلاعاتی را در رابطه با توانایی مدیریت خود ارائه دهند تا سرمایه‌گذاران و استفاده‌کنندگان را در گرفتن تصمیم یاری کند. در نهایت، به دلیل تأثیر منفی پیچیدگی شرکت بر ارتباط بین توانایی مدیریت

- اوراق بهادار تهران. پژوهش‌های حسابداری مالی، دوره ششم، شماره ۳، صص ۳۶-۲۱.
۴. بشیری منش، نازنین و ملیحه مهری کامرود. (۱۳۹۷). تأثیر توانایی مدیریت بر کیفیت افشای اطلاعات با تأکید بر محافظه‌کاری. پژوهش‌های کاربردی در گزارشگری مالی، دوره هفتم، شماره ۱۲، صص ۹۰-۷۱.
۵. پیری، پرویز، دیدار، حمزه و سیما خدایاریگانه. (۱۳۹۳). بررسی تأثیر توانایی مدیریت بر کیفیت گزارشگری مالی در طول چرخه عمر شرکت‌های پذیرفته‌شده در بورس اوراق بهادار تهران. پژوهش‌های حسابداری مالی، دوره ششم، شماره ۳، صص ۱۱۸-۹۹.
۶. جبارزاده کنگرلویی، سعید و یاسر رادی. (۱۳۹۸). بررسی تأثیر توانایی مدیریت بر شفافیت شرکتی با تأکید بر اثر تعدیل‌گری ضعف کنترل‌های داخلی در شرکت‌های پذیرفته‌شده در بورس اوراق بهادار تهران. پژوهش‌های حسابداری مالی، دوره یازدهم، شماره ۱، صص ۸۰-۵۵.
۷. جهانشاد، آزیتا و اعظم زالی. (۱۳۹۶). تأثیر پیچیدگی سازمانی بر رفتار پیش‌بینی سود. تحقیقات حسابداری و حسابرسی، دوره نهم، شماره ۳۳، صص ۵۵-۴۲.
۸. حاجیان، نجمه، انواری رستمی، علی‌اصغر، رحمانی، علی و عادل آذر. (۱۳۹۴). بررسی عوامل مؤثر بر سطح افشای اطلاعات شرکت‌های پذیرفته‌شده در بورس اوراق بهادار تهران. پژوهش‌های حسابداری مالی، دوره هفتم، شماره ۱، صص ۹۲-۷۱.
۹. خواجوی، شکرالله و محمدحسین قدیریان آرانسی. (۱۳۹۶). نقش توانایی مدیریت در پیش‌بینی

و شفافیت اطلاعات شرکت، به استفاده‌کنندگان پیشنهاد می‌شود برای ارزیابی بهتر شرکت و درنهایت، تصمیم‌گیری صحیح‌تر، نسبت به پیچیدگی سازمانی توجه بیشتری نشان دهند و اثرات پیچیدگی سازمانی را در تصمیم‌گیری‌های خود لحاظ کنند. به عبارت دیگر، با توجه به اینکه پیچیدگی در محیط شرکت باعث افزایش عدم شفافیت اطلاعات مالی شرکت‌ها می‌شود، در شرکت‌های پیچیده به صورت بلندمدت سرمایه‌گذاری نکنند. در راستای پژوهش، به منظور انجام پژوهش‌های آتی پیشنهاد می‌شود پژوهش حاضر با استفاده از سایر معیارهای اندازه‌گیری پیچیدگی شرکت، توانایی مدیران و عدم شفافیت اطلاعات شرکت‌ها آزمون و نتایج مقایسه شوند. همچنین، به بررسی تأثیر معیارهای حاکمیت شرکتی، متغیرهای کلان اقتصادی و هزینه‌های نمایندگی بر ارتباط بین توانایی مدیران و عدم شفافیت اطلاعات شرکت‌ها پرداخته شود.

منابع و مأخذ

۱. امیری، اسماعیل، خدای‌پور، احمد و یحیی کامیابی. (۱۳۹۷). اثر رفتارهای کوتاه‌بینانه و خوش‌بینانه مدیریت بر شفافیت اطلاعات مالی. پژوهش‌های کاربردی در گزارشگری مالی، دوره هفتم، شماره ۱۳، صص ۱۷۷-۱۴۱.
۲. امیری، هادی و هاجر محمدی خورزوقی. (۱۳۹۱). تحلیل ارتباط بین تأمین مالی از طریق بدهی و کیفیت سود شرکت‌های پذیرفته‌شده در بورس اوراق بهادار تهران. فصلنامه حسابداری مالی، دوره چهارم، شماره ۱۶، صص ۸۱-۶۱.
۳. ایزدی‌نیا، ناصر، گوگردچیان، احمد و مژگان تنباکویی. (۱۳۹۳). تأثیر توانایی مدیریت بر کیفیت سود در شرکت‌های پذیرفته‌شده در بورس

- تهران. پژوهش‌های حسابداری مالی، دوره سوم، شماره ۳، صص ۷۴-۵۵.
۱۵. صمدی لرگانی، محمود. (۱۳۸۹). تبیین ارتباط بین شفافیت گزارشگری مالی با گزارشگری مالیاتی. پایان‌نامه دکتري حسابداری، دانشگاه آزاد اسلامی واحد علوم و تحقیقات تهران.
۱۶. علوی طبری، سیدحسین و منا پارسایی. (۱۳۹۸). رابطه کیفیت حسابرسی با شفافیت شرکتی در شرکت‌های پذیرفته‌شده در بورس اوراق بهادار تهران. پژوهش‌های حسابداری مالی و حسابرسی، دوره یازدهم، شماره ۴۱، صص ۶۸-۴۳.
۱۷. فروغی، داریوش و امین ساکیانی. (۱۳۹۷). تأثیر توانایی مدیریتی بر ریسک سقوط قیمت سهام. پژوهش‌های حسابداری مالی و حسابرسی، دوره دهم، شماره ۴۰، صص ۶۸-۴۷.
۱۸. کردستانی، غلامرضا؛ بهرامفر، نقی و علی امیری. (۱۳۹۸). تأثیر کیفیت افشا بر عدم تقارن اطلاعاتی. پژوهش‌های حسابداری مالی و حسابرسی، دوره یازدهم، شماره ۴۲، صص ۱۷۸-۱۵۹.
۱۹. محمدیان، زینب. (۱۳۹۵). بررسی تأثیر پیچیدگی و عدم اطمینان محیطی بر صحت پیش‌بینی سود مدیریت با تأکید بر کیفیت حسابرسی به‌عنوان متغیر میانجی در شرکت‌های پذیرفته‌شده در بورس اوراق بهادار تهران. پایان‌نامه کارشناسی ارشد حسابداری، دانشگاه ارومیه، ایران.
۲۰. مشایخی، بیتا و سوران فرهادی. (۱۳۹۲). تأثیر اندازه شرکت بر رابطه بین کیفیت افشا و هزینه حقوق صاحبان سهام شرکت‌های پذیرفته‌شده بحران مالی. پژوهش‌های حسابداری مالی، دوره نهم، شماره ۴، صص ۱۰۱-۸۳.
۱۰. دیدار، حمزه، منصورفر، غلامرضا و الهام زارع. (۱۳۹۶). بررسی تأثیر کیفیت حاکمیت شرکتی بر کیفیت افشا با تأکید بر نقش تعدیل‌کننده رقابت بازار محصول در شرکت‌های پذیرفته‌شده در بورس اوراق بهادار تهران. پژوهش‌های حسابداری مالی، دوره نهم، شماره ۱، صص ۱۱۷-۹۶.
۱۱. رنجبر، محمدحسین، رجب دری، حسین و امیررضا خانی ذلان. (۱۳۹۷). بررسی رابطه بین مخارج سرمایه‌ای و کارایی سرمایه‌گذاری در مراحل مختلف چرخه عمر شرکت. بررسی‌های حسابداری، دوره پنجم، شماره ۱۸، صص ۶۴-۴۷.
۱۲. سپاسی، سحر و مرتضی کاظم‌پور. (۱۳۹۵). عوامل اثرگذار بر هزینه نمایندگی و کیفیت افشای اطلاعات. پژوهش‌های کاربردی در گزارشگری مالی، دوره پنجم، شماره ۸، صص ۲۴-۷.
۱۳. ستایش، محمدحسین و مصطفی کاظم‌نژاد. (۱۳۹۱). شناسایی و تبیین عوامل مؤثر بر کیفیت افشای اطلاعات شرکت‌های پذیرفته‌شده در بورس اوراق بهادار تهران. پیشرفت‌های حسابداری دانشگاه شیراز، دوره چهارم، شماره ۱، صص ۷۹-۴۹.
۱۴. ستایش، محمدحسین، مصطفی کاظم‌نژاد و مهدی ذوالفقاری. (۱۳۹۰). بررسی تأثیر کیفیت افشا بر نقدشوندگی سهام و هزینه سرمایه شرکت‌های پذیرفته‌شده در بورس اوراق بهادار

28. Bochkay, K., Chychyla, R., & Nanda, D. (2016). *Uncertain ability, career concerns and voluntary disclosure: Evidence from CEO participation in earnings conference calls*. Working paper: School of Business Administration, University of Miami
29. Bushman, R., Chen, Q., Engel, E., & Smith, A. (2004). Financial accounting information, organizational complexity and corporate governance systems. *Journal of Accounting and Economics*, 37, 167–201.
30. Cho, S.Y., & Hoa, H.T. (2011). *The influence of product market competition on the timing and quality of corporate financial disclosure*. Available at: SSRN.
31. Coles, J. L., Daniel, N. D., & Naveen, L. (2008). Boards: Does one size fit all? *Journal of Financial Economics*, 87 (2), 329–356.
32. Demerjian, P., Lev, B., & McVay, S. (2012). Quantifying managerial ability: A new measure and validity tests. *Management Science*, 58 (7), 1229–1248.
33. Diamond, D. W., & Verrecchia, R. E. (1991). Disclosure, liquidity, and the cost of capital. *Journal of Finance*, 46 (4), 1325–1359.
34. Healy, P.M., & Palepu, K.G. (2001). Information asymmetry, corporate disclosure, and the capital markets: A review of the empirical disclosure literature. *Journal of Accounting and Economics*, 31 (1–3), 405–440.
35. Kitagawa, N., & Okuda, S.' (2016). Management Forecasts, Idiosyncratic Risk, and the Information Environment. *The International Journal of Accounting*, <http://dx.doi.org/10.1016/j.intacc.2016.10.002>.
36. Lang, M. H., & Lundholm, R. J. (1996). Corporate disclosure policy and analyst behavior. *Accounting Review*, 71 (4), 467–492.
37. Leuz, C., & Verrecchia, R. E. (2000). The economic consequences of
در بورس اوراق بهادار تهران. فصلنامه حسابداری مدیریت، دوره ششم، شماره ۱۹، صص ۱۱۵–۱۰۱.
۲۱. مشایخی، بیتا و عابد عظیمی. (۱۳۹۵). تأثیر توانایی‌های مدیریت بر رابطه بین مدیریت سود واقعی و عملکرد آتی شرکت. بررسی‌های حسابداری و حسابرسی، دوره بیست و سوم، شماره ۲، صص ۲۶۷–۲۵۳.
۲۲. موسوی شیری، محمود، سلیمانی، حمید، مؤمنی، یوسف و حجت سلیمانی. (۱۳۹۴). رابطه بین کیفیت افشای اطلاعات حسابداری و نوسان‌پذیری بازده سهام. پژوهش‌های تجربی حسابداری، دوره پنجم، شماره ۱۸، صص ۱۴۴–۱۳۱.
۲۳. نوبخت، زهرا. (۱۳۸۳). *ارزیابی شفافیت اطلاعات در بورس اوراق بهادار تهران*. پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه تهران.
24. Al Mamun, M., Balachandran, B., & Duong, H.N. (2020). Powerful CEOs and stock price crash risk. *Journal of Corporate Finance*, <https://doi.org/10.1016/j.jcorpfin.2020.101582>.
25. Anderson, R. C., Duru, A., & Reeb, D. M. (2009). Founders, heirs, and corporate opacity in the United States. *Journal of Financial Economics*, 92 (2), 205–222.
26. Baik, B. O. K., Farber D. B., & Lee, S. S. (2011). CEO Ability and Management Earnings Forecasts. *Contemporary Accounting Research*, 28 (5), 1645–1668.
27. Baik, B., Choi, S., Farber, D.B., & Zhang, J. (2012). *Managerial ability and earnings quality: an international analysis*. Available at: <http://www.kaaeu.or.kr/func/download.php?path>.

- Journal*,
<http://dx.doi.org/10.1016/j.gfj.2017.05.002>.
40. Yiqiang Jin, J., Kanagaretnam, K., Liu, Y., & J. Lobo, G. (2019). Economic policy uncertainty and bank earnings opacity. *Journal of Accounting and Public Policy*, <https://doi.org/10.1016/j.jaccpubpol.2019.05.002>.
- increased disclosure. *Journal of Accounting Research*, 38 (3), 91–124.
38. Saidu, S. (2019). CEO characteristics and firm performance: focus on origin, education and ownership. *Journal of Global Entrepreneurship Research*, <https://doi.org/10.1186/s40497-019-0153-7>.
39. Uygur, O. (2017). CEO ability and corporate opacity. *Global Finance*